

وَعَلَيْكُمْ سَلَامٌ مِمَّنْ قَبْلَكُمْ وَتَسْلِيمًا

نزل جمع است لغویدن و خطا لغویدن و صواب هم و لغویدن است
صفت ایشان بر روی ملائک مقرب عمل در گذشتن است و از آنجا
یعنی پس در گذرد یا از آنچه بود از آن لغویدن هم و خطای هم
عفو کردن و آن سبک هم پس بدینست که تو با کس خود را چه می کرد
و همیشه با هم و غایت از دایمی هر دو عمل گذشتن از آنجا که
و مضمون این فقره از هم مجزوم است حضرت تیر پس نظر در میان
بر قوم کشیدم اگر فو لنی بدت الطور و عقلت صحیحی غرضی
اجل در دفع **الذنوب** نظری مستکننا الصالحات

الذنوب هارایم کیف تخلص منها

کیف تخلص کنونی از برای است تمام حال است طرد سبکون اوضاع نیز
را در دور کردن پس فقیر و مسکنت از دلی مغیر خواری و ضعف
آمدن التماس مغیر حاجت و توب جمع و توب نماه هر یک که
تحت توبه کردن است پشیمان و طلب نما و کردن قصد نمک کردن

جواب

جواب کرد و سر او چندی گذشت از جمله قوم سعی کار کرد
و دیدن عیسی ای ضایع چگونه میرانی مسکین را از آنجا که
بسی تو از گناهان خود که بران یا چه که توبه میکردی و اینها

را شده ای که آنجا کرده است بحجاب تو و دیده **تنبیه**

خلافت در آنکه فقیر و مسکین است و جمع میان ایشان در دور
خاکه در آیه که است لئلا الصدقات للفقره و المسکین واقع شده
از جهت پاکدست یا آنکه هر کدام با صدق و عهده دارند و قولی است
راجح است زیرا که مسکین تهرست از آنکه در بر فقیر خلافت
کرده اند در وجه فرق میان ایشان بعضی گفته اند که فرق میان آن
بجست با سوال عدم سوال است و بعضی گفته اند فقیر محاسبت
کردن آن مسکین و مسکین که سوال میکند و بعضی گفته اند که هر دو است
و بعضی گفته اند که فرق میان ایشان اعتبار صحت و حضرت فقیر
محتاج نیست مسکین محتاج شدت است و اگر فقیر باشد که
فقیر و مسکین هر یک در آنکه مالک است مؤمنان خود و عیال آن

جواب